

«گام‌های بی‌صدا»ی شهید
سرلشکر محمد باقری منتشر شد



کتاب «گام‌های بی صدا»، دیرپرسیده مجموعه خاطرات شهید سپهبد محمد باقری، تالیف مصطفی رحیمی در نشر خط مقدم روانه بازار نشر شد. سردار سپهبد محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که در بامداد جمعه ۲۳ خرداد ماه در جریان حمله جانیان‌کانه رژیم صهیونیستی به شهادت رسید، از فرماندهان و یادگاران دوران هشت سال دفاع مقدس بود. او با شروع حوادث کردستان به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و از تابستان سال ۵۹ در این نهاد انقلابی مشغول به فعالیت شد. شهید محمد باقری پس از برادرش، مسئول اطلاعات جنگ شد و طراح بسیاری از عملیات اطفای موفق دفاع مقدس بود. اطلاعات و مبنای طراحی عملیات‌های مختلف قرار می‌گرفت و نقش کلیدی و مؤثر در دوران دفاع مقدس داشت اما کمتر دیده شده بود. او پس از جنگ نیز آرام نگرفت و در شکل‌گیری اطلاعات سپاه قدس و جریان مقاومت در خارج از کشور نقشی مؤثر داشت.

خطرات و یادداشت‌های روزانه این شهید و الاقام، با پژوهش و نگارش مصطفی رحیمی، در انتشارات مقدم منتشر شد. این خاطرات طی دو سال در گفت‌وگو با شهید محمد باقری و با تکیه بر یادداشت‌های روزانه او تنظیم شده است و مؤلف اثر برای تکمیل آن، از سایر منابع، اسناد و مدارک نیز بهره گرفته است.

گذری بر زندگی و رشادت سرتیپ رضا جعفرزاده که فروردین امسال جامه شهادت پوشید

فرماندهای که تا آخرین لحظه کنار سربازانش ماند

رویه‌گنبد و بارگاه امام رضا(ع) اسلام داد و از اتحاد کند. یادگان
حدید امکانات چندانی نداشت. باید انبارها و آسیابگاه‌ها
پاک‌سازی می‌شدند، آسفالت ترمیم می‌شد و کارهای فراوان
دیگری به سرانجام می‌رسید. حتی محل کاشت درختان را
هم بررسی می‌کرد. وقتی بخشی از کارها سامان گرفت، راهی
حرم شد. روبه‌روی گنبد طلائیستاد، سر فرو آورد و دست بر
سینه سالم داد. صدای نقره‌خانه در فضا می‌پیچید و کوبت‌ها
دسته جمعی پرواز می‌کردند. همانجا بار دیگر با خود عهد بست
که سربازان وطن را باره‌ای از وجودش بداند و در خدمت به آنان
کوتاهی نکند.

عشق و ارادتش به امام حسین (ع) نیز ریشه در رسم های ارادگاهش داشت. در لرستان، روز عاشورا مردم گل بر شانه و سر می مالند و پابرهنه در دسته های عزاداری شرکت می کردند. رضاهم به رسم پدران، روز عاشورا پابرهنه به دنبال دسته راه می افتاد. زبری سنگ ها و خار و خاشاک زیر پایش را احساس نمی کرد؛ گویی ارادتش به امام حسین (ع) درد را از یادش می برد.

پاسداری از مرزهای شرقی

چند روز بعد، ماهوریت تازه‌ای در انتظارش بود؛ پاسگاه مرزی نیایباد. این بار باید در برابر بادهای تند، ریگستان‌ها و شنزارهای بیابان می‌ایستاد؛ سرزمینی در شرقی‌ترین نقطه ایران، همسایه افغانستان و محل زندگی مردمانی باهوش‌های خالی و قلب‌هایی گرم. او پاسگاه را سامان داد و برای بهتر شدن شرایط استقرار نیروها تلاش کرد. سربازان دیوارهای اسبگاه را خاکستری کردند و با نقطه‌هایی سبز به آن رنگ و بویی تازه دادند. رضا مرتب مسیر نیایباد به سرخس را رفت‌وآمد می‌کرد؛ نه سرما باعث می‌شد و نه گرما. هرگز، از هیچ‌جا جانش دوست داشت و بر این اصرار بود که باید تا آخرین توان پای آن ایستاد. ساعت‌ها بر بلند می‌

نیمه شب، شعله‌ای زرد و گودگردی تاریک را
شکافت و سکوت کوهستان‌های کرمانشاه
را با صدای مهیب انفجار درهم شکست. حمله موشکی آمریکا به
ایادگان جبران بلاغ انجام شده بود. فرمانده نا آخرین لحظه کنار
سربازانش ماند اما رضا جعفرزاده، معاون هماهنگ‌کننده ارتش
در غرب کشور، دشواری اذان صبح سی و نهمین روز جنگ را تشدید
کرد. شهادت‌شماره ساعتی بعد، دهان به‌دهان و قلبه به‌قلب در
کوهستان پیچید و سراسرنامه به لرستان رسید؛ سراسیمه که درآگاه
پدري رضا بود که هایش از کودکی شاهد قد کشیدن او بودند.

از دانشکده افسری تا میدان خدمت

سال ۱۳۷۵، ۲۶ سالگی، به استخدام ارتش درآمد. از کنار تانک‌های بزرگ و آبی‌رنگ دانشکده افسری امام علی (ع) گذشت و زیر درخت سرو ورودی پادگان، نفس عمیقی کشید. دو سال آموزش نظامی پیش رو داشت؛ دو سال تمرین رزم، جنگیدن در شب و مبارزه با شیخون. شناخت مسیر با استفاده از ستاره‌ها و با خوبی آموختن و در این زمینه استادی چیره‌دست شد. توان شناسایی و آشنایی با طبیعت نیز کمک می‌کرد. مسیرهای طولانی را پیاده طی کند.

در دوران دانشجویی، فرمانده گردان دانشجویان بود و دو سال بعد، باره‌چره عالی‌ا دانشکده افسری فارغ التحصیل شد. از آن پس، مأموریت‌هایی پس از دیگری از راه رسیدند؛ از این قرارگاه به آن قرارگاه، از این مأموریت به مأموریتی دیگر. لباس ارتش نیز برایش حرمت داشت و فرماندهی را پیش از هر چیز، سبب استیلا در قبال سربازان می‌دانست. هنگام آموش سربازان، فقط به دستور دادن اکتفا نمی‌کرد. خودش مقابل سربازان روی سکوی سیمانی دراز می‌کشید، قنداق تفنگ را در گودی شانه می‌گذاشت، نفخس را حبس می‌کرد و از میکس، هدف را نشانه می‌رفت. بعد نوبت سربازان بود که آموخته‌های شان را به کار می‌بردند. او دوران سربازی را شوق زندگی می‌دانست؛ فرصتی برای یادگیری و گرفتن هر کاری که باید صرفا سیری شود.

 عهدي دوباره در جوار امام رضا(ع)

بآن ۱۳۹۹، در سالی که کرونا زندگی مردم را دشوار کرده بود، قدم به خراسان گذاشت. تیپ ۳۷۷ ارتش از تپه‌سلازم به بیرون شهر منتقل شده بود و او مسئولیت داشت محل جدید را برای استقرار نیروها آماده کند. غروب آخرین روز حضور در تپه‌سلازم،

جوش آورده بود. حالا وظیفه اش در غرب کشور، ادامه خدمت در روزهایی بود که آسمان شلوغ و زمین در التهاب بود. غروب سرد و تر نشاء، جعفر زاده روی تخته سنگی نشست و بند پوتینش را محکم دور ساق پا بست. سری به سربازان زد و چند نفر را به مرخصی فرستاد. آسانسنگاه ها را یکی یکی سرکشی کرد و بعد به پهنه های رسید که ادوات نظامی و زرهی در آن مستقر بودند و به سوی پایگاه های نظامی آمریکا آتش می گشودند. رادارها مسیرها را شناسایی می کردند و جاده های تدارکات نیز باید بررسی می شدند. راضا جعفر اده را اوری کرد و نگاهی هم به کاتال مهمات نداشت. در آن لحظت، خنده شد. حرم امام شراع و به سرد سپاهخانه در ذهنش زده بود. سرباز را بالا گرفت و به ستاره های آسمان خبره ماند. سنگینی اسلحه روی شانه های او در انداخته بود اما هنوز کارهای دیگری برای انجام دادن داشت.

په‌یه‌ها می‌ایستاد و با دوربین، اطراف را زیر نظر می‌گرفت. محل، بساطه‌ها و پرچک‌های گنجه‌ای را با توجه به اهمیت و حساسیت بررسی می‌کرد. در میان همه دشواری‌های مأموریت، طعم خربزه‌های تابیدار با هم دوست داشت؛ شیرینی‌ای که انگار زیر دندان بود و دل‌کنند از آن سرزمین را برایش دشواری می‌کرد. این‌ها، وظیفه‌اش روشن بود؛ مرز باید مراقبت می‌شد و او را انجام این مسئولیت آسان نبود.

آخرین مأموریت؛ از مرز شرقی تا غرب کشور

آغاز حمله آمریکا، رضا آرام وقرار نداشت. او مرد میدان رزم بود. خبرهای جنگ به شدت متأثرش می کرد. شنیده بود کودکان سیناب زیر موشک مانده اند و زمین بازی کودکان در لارمدر بمباران شده است اما شهادت رهبر کشورش بیش از هر چیز خوش رابه

ت، آموزش و مراقبت از سربازان را بخشی از مسئولیت خود در کنار آنان بود.

مانشاه گذشت و به لرستان رسید؛ به سرزمینی که خاطره آن شب، ماه می‌تابید و ستاره‌ها همچنان سوسو می‌زدند. با ایمان به وظیفه، عشق به وطن و وفاداری به سربازانش اومت و پایداری همچنان در تیش بود.

برش

انفجار نیمه شب و پرواز تا آسمان

صدای انفجاری مهیب، زمین و زمان را لرزاند. رضا به سمت کانال دوید. شدت موج انفجار چنان بود که پوتین از پایش کنده شد و صداها برای لحظاتی تمامی نداشتند. حمله موشکی، سکوت کوهستان را شکست و هراس و التهاب را در محوطه یادگان گستراند.



آگهی فروش عمومی (دام سبک)

مجموعه دامپروزی موقوفه محمد کریم خان

در نظر دارد تعداد ۱۳۴۷ راس پره ز مولد، برهه ماده مولد، برهه های رنگایی و برهه های نر پرواری از نژاد رومن پره بر مجوز شماره شناسه ۰۴۷-۲۱۲۷۴ و نظریه کارشناس رسمی (دام پایه مولد) و استعلام قیمت از کشتارگاه صنعتی دام (دام پرواری) شهرستان کرمان به فروش برساند.

❖ لذا از متقاضیان محترم خواهشمند است از تاریخ چاپ این آگهی لغایت ۷ آبان ۱۴۰۵ جهت اطلاعات بیشتر و تحویل مدارک با شماره تلفن ۰۹۱۳۹۸۷۱۲۶۰ (آقای شاکرم خانی) و ۰۹۱۳۴۷۹۹۰۹ (آقای ادهمی) تماس حاصل نمایند؛ شناسه ۲۱۹۳۰۳۴۴

لازم به ذکر است تعداد پیشنهاد خرید حداقل از ۲۰۰ راس دام کمتر نباشد.

آگهی مزایده
شماره ۰۱-۱۴۰۵

موضوع: فروش متقول نقره قطر ۱/۵ میلی متر به مقدار ۱۲۰ کیلوگرم
با آتایز نزدیک به (۵۰٪ / پنجاه درصد)

زمان بازبید زمان اسناد اعلام مزایده: از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۱۲۰ روز کاری
و آخرین تاریخ دریافت پیشنه‌ها از چاپ روزنامه ۱۰ روز کاری می باشد لازم
به ذکر است زمان بازبید با پاکت ۲ روز بعد از آخرین پیشنه‌ها می باشد.

تضمین شرکت در مزایده: معادل ۵ درصد مبلغ پیشنه‌های چسک
تضمین شده به شماره حساب ۱۱۷۷۸۰۰۵۵۴۴۲۷ در وجه صنایع
شهید دوران با شناسه ملی: ۱۴۰۰۶۴۰۰۲۰۰

هزینه چاپ آگهی و کارشناسی مزایده بر عهده برنده مزایده است
و مسایده گزار در رد تمام و یا هر یک از پیشنه‌ها مختار می باشد.

آدرس محل دریافت اسناد و ارائه پیشنه‌ها: پاکدشت، بلوار پارچین، خیابان
والفجر، درب چنگی انتظامات صنایع شهید دوران و سناری

جهت کسب اطلاعات بیشتر
با تلفن ۰۲۱-۲۵۷۶۹۱۲۰ و یا با شماره ۰۹۱۵۲۵۸۲۱۰ تماس حاصل فرمایید.

روایه عمومی شهیدان دوران و سناری



گنجینه انرژی
شرکت ملی برق و نیرو
شرکت ملی گاز و نیرو

آگهی تجدید مناقصه (عمومی - یک مرحله‌ای)

کد فراخوان ۰۰۰۰۰۱۳۰۹۱۸۴۵۰۲۰۵ سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

شماره مجوز: ۱۴۰۵.۴۵۳۸

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران - منطقه شاهرود (استان سمنان)

در نظر دارد پیمان مشروح ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل بر گزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس <http://setadiran.ir> انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۰۲۱-۱۹۳۴۰۰۲۱، دفتر ثبت نام: ۰۸۹۶۹۶۷۳۷ و ۰۸۵۱۹۳۷۶۸

لذا از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه با نظر داشتن مدارک مندرج در ذیل. به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نمایند.

ردیف	موضوع مناقصه	برآورد مناقصه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	تاریخ جلسه توضیح اسناد (جلسه توجیهی)	مهلت قبول پیشنهادها	تاریخ بازگشایی پیشنهادها	
۱	بازسازی دیوار ضلع غربی و ایجاد دیوار حائل انبار نفت سمنان و جایگاه شرکتی سابق	۶۰.۵۰۰.۲۵۷.۹۷۱	۳۰.۲۵۰.۲۲۸.۸۹۸	۱۴۰۵/۰۸/۱۱ ساعت ۱۰ صبح	تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۷ تا ساعت ۱۶	۱۴۰۵/۰۸/۱۸ ساعت ۸ صبح	
۲	نوع تضمین	تضمین مندرج در ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۱۳۲۴/۰۵۶۵۹-۵۰۶۵۹-۹۴ واریزهای نقدی به حساب ۰۳۰۰۲-۲۱۷۲۵۸۸۰۰۰۰۲ در بانک ملی به نام شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه شاهرود با کد شناسه ۳۲۴ (در صورت واریز نقدی اخذ رسید و جواز امور مالی منطقه الزامی می‌باشد).					
۳	تاریخ انتشار در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶ ساعت ۸ صبح					
۴	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۳ ساعت ۱۶					
۵	محل گشایش پیشنهادها	شاهرود، سه راهی راه آهن، خیابان نفت، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه شاهرود، طبقه دوم، سالن کنفرانس منطقه تلفن: ۰۲۳-۲۳۲۲۲۰۴۸-۲۳ داخلی ۲۲۰ فاکس: ۰۲۳-۲۳۲۲۷۵۷۲					
۶	شرایط عمومی و مدارک مورد نیاز برای شرکت در مناقصه	۱- دارا بودن و ارائه گواهینامه معتبر تبه ۵ اینپیه و یافت و گاز از سوی معاونت راهبردی ریاست محترم جمهوری ۲- ارائه تصویر کلیه صفحات اسانسنامه شرکت و تصویر آگهی تأسیس آخرین تغییرات در روزنامه رسمی ۳- ارائه تصویر کف اقتصادی و شناسه ملی شرکت (برابر با اصل شده) ۴- احراز امتیاز قابل قبول بر اساس معیارهای ارزیابی توانمندی پیداشتی، ایمنی و محیط زیست (HSE) (احراز امتیاز ۶۴۰ تا ۱۰۰) ۵- ارائه اصل گواهی اهداء حضوری شخصی و یا شاخصی که طبق آخرین تغییرات در روزنامه رسمی مجاز به اهداء اسناد تعهد آور شرکت می‌باشند. (در زمان عقد قرارداد) ۶- ارائه سابقه اجرای قرارداد مشابه و ارائه مستندات و رزومه کارهای قبلی و رضایت نامه مربوطه ۷- قیمت ها متناسب با کالای ساخته داخل به لحاظ کیفیت ارائه گردد. ۸- داشتن ثبت آزاد حداقل به میزان بر آورد- پیشنهادات واسله باهر تعداد قابل گشایش خواهد بود.					
۷	تاریخ چاپ آگهی	نوبت اول آگهی روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ و نوبت دوم آگهی روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶					

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران - منطقه شاهرود

شماره ۲۹۹۵۲۳

[illegible][illegible]



آگهی مزایده عمومی (نوبت دوم)

شهرداری شریف آباد در نظر دارد با استناد به مجوز شماره ۱۳۶/۰۱/۳۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۲ با موضوع اجاره حق انتفاع زمین چمن مصنوعی پارک شهدای مالیات شهر شریف آباد را با مشخصات ذیل از طریق مزایده عمومی (سامانه تدارکات الکترونیکی دولت) به شرکت ها و اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.

متقاضیان می توانند پس از انتشار نوبت دوم آگهی در روزنامه جام جم به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه و اسناد مزایده عمومی را خریداری نمایند. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۳۶۴۷۲۷۷۰۰۲ داخلی ۱۳۹ تماس حاصل فرمایند.

نام پروژه	قیمت پایه (ریال) (اجاره ماهیانه)	قیمت پایه (ریال) (۱۳ ماه شمسی)	میزان سپرده شرکت در مزایده (ریال)	مدت اجرای قرارداد	مزایده
اجاره حق انتفاع زمین چمن مصنوعی	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰	از زمان عقد قرارداد به مدت ۲۱ ماه شمسی	مزایده عمومی

شرایط مزایده عمومی:

- چنانچه نفرات اول و دوم و سوم برنده مزایده حاضر به واریز وجه به حساب شهرداری نشوند، سپرده آن ها به ترتیب ضبط خواهد گردید.
- شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.
- سایر شرایط و اطلاعات در اسناد مزایده و سامانه تدارکات ستاد درج شده است.
- کلیه هزینه های سامانه ستاد به عهده برنده مزایده عمومی خواهد بود.
- شرکت کنندگان الزاماً با (الف و ب) راه صورت فیزیکی جهت تعیین شده در شرایط مزایده به امور قراردادها تحویل نمایند.

نوبت اول چاپ: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹ نوبت دوم چاپ: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵

سعید حسینی – شهردار شریف آباد